

نه اندر نه آمدسه اندر چهار

$$(9 \times 9) + (3 \times 4) = 93$$

بقلم آقای سید محمد علی جمال زاده

مشهور است وقتی فردوسی از سلطان محمود غزنوی آزرده و مایوس گردید قصیده در هجو اوساخت که يك بيت آن از این قرار است :

كف دست محمود والانبار نه اندر نه آمدسه اندر چهار

درین مفسرین و از باب تحقیق اتفاق حاصل است که مقصود از این بیت بیان بخل و اسماك سلطان محمود بوده است ولی چون عموماً با آنکه میدانند تفسیر این بیت مربوط با انگشتهای دست است درست از کیفیت این تفسیر اطلاع جامع و صحیحی در دست نیست ذیلاً در این باب توضیحاتی داده میشود . ۱

تفسیر بیت مزبور مربوط بعلمی است که به « حساب العقود » یعنی حساب با انگشتهای دست و یا با بندها و مفاصل انگشتهای دست معروف است . این علم از قدیم الایام در اغلب ممالک شرق و غرب بین مردم و مخصوصاً اشخاص با فضل و اطلاع و اهل معامله متداول و معمول بوده و هنوز هم بعضی از انواع آن در نقاط مختلفه از کرهٔ ارض کم و بیش رواجی دارد چنانکه در جزایر بحرین مثلاً امروز هم در موقع معاملات مروارید اغلب طرفین رو بروی هم نشسته دست راست یکدیگر را گرفته بادت چپ دامن قبا و یا دستمالی را روی آن انداخته و معامله و چانه زدن را بوسیلهٔ لمس و فشار انگشتهای طرف معمول میدارند بطوریکه جریان معامله بکلی بر حضار مجهول میماند . عملاً علم حساب العقود دارای سه طریقه است . طریقهٔ اول که در فوق بدان اشاره شد

و عموماً در زیر پارچه و دستور از نظر حضار بعمل میآید از قرار ذیل است :

گرفتن سبابه طرف دلالت بر عدد ۱ دارد	«	«	«
«	«	«	«
«	«	«	«
«	«	«	«
«	«	«	«
«	«	«	«

۱ - کلیهٔ مطالب این مقاله مأخوذ از مقالهٔ نفیس مفصالی است که با عنوان « طرق قدیمهٔ انگشت شماری در مشرق و مغرب » بزبان فرانسه بقلم مسیولوموان درمجلهٔ « تحقیقات اسلامی » طبع رسیده است . اشخاصی که طالب اطلاعات بیشتر و جامعتری در این باب می باشند بدان مقاله مراجعه فرمایند .

J. G. Lemoine : Les anciens procédés de Calcul sur les doigts en Orient et en Occident, (Rev ue des Etudes Islamiques; Année 1932 Cahier 1)

گرفتن يك بار چهار انگشت (۴) و يك بار
سه انگشت (۳) دلالت بر عدد ۷ دارد
« دو بار چهار انگشت بدون شست » ۸
« يك بار چهار انگشت بلند و يك بار
هر پنج انگشت » ۹

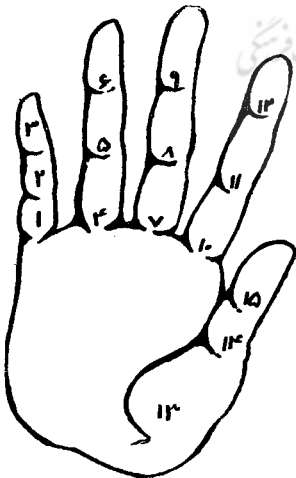
برای اشعار عدد ده و صد و هزار فشار دادن سیابه تنها کافی است و طرف بر حسب اهمیت معامله شخصاً استنباط خواهد کرد که نیت طرف آحاد و عشرات و یا مآت و الوف است. و نکذا گرفتن سیابه و انگشت وسطی معاً که عدد ۲ را میرسانیده بر ۲۰ و ۲۰۰ و ۲۰۰۰ نیز بر حسب اهمیت معامله دلالت میکند و بهمینطور برای سایر اعداد از عشرات و مآت و الوف. این طریقه در سرحدات مغولستان هم بهمین ترتیب معمول است با تفاوت آنکه گرفتن شست و انگشت معاً علامت ۶۰ میباشد و قرار دادن شست در کف دست طرف دلالت بر ۷۰ و شست و سیابه معاً دلالت بر ۸۰ و مالیدن شست و سیابه را با اولین انگشت طرف (شایدمقصود انگشت سیابه باشد) دلالت بر ۹۰ دارد.

خلاصه آنکه تقریباً در تمام ممالک اسلامی این ترتیب انگشت شماری که یا سیابه دست راست شروع میشود معمول است و نکته قابل توجه این است که شروع بانگشت شماری با سیابه که در مغولستان و ژاپن هم رایج است در بین اقوام هند و اروپائی مجهول است و این اقوام یعنی هندوها و اروپائیها در امر انگشت شماری برخلاف ممالک اسلامی و مغولستان و ژاپن همیشه با شست شروع میکنند و از آنجائیکه در علم نژاد شناسی اصل اقوام شامی هنوز معلوم نشده علمای این علم امیدوارند که همین تفاوت و اختلافی که در انگشت شماری در بین ملل مختلفه موجود است در آتی یکی از اسباب کشف حقیقت در باب اصل اقوام مزبور گردد.

در باب اصل و منشاء این طریقه انگشت شماری نیز هنوز عقیده قطعی باشد در دست نیست و نمیتوان گفت که از کدام مملکت و تومی بجایهای دیگر و بین اقوام مختلفه شیوع پیدا نموده است و همیتقدر هست که بطور اطمینان میتوان ادعا نمود که چون در هیچ يك از ممالک افریقا تا کنون اثری از این طریقه دیده نشده است اصل و منشاء آن در اقلیم افریقا نیست.

طریقه دوم « حساب العقود » عبارت است از شمارش بوسیله بندهای انگشتان چنانکه مثلاً در هندوستان و مخصوصاً در بنگاله هنوز هم مرسوم است.

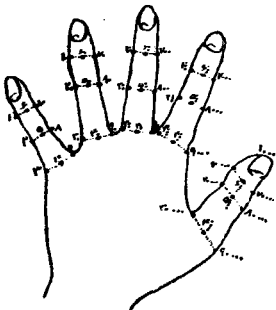
بر طبق این طریقه بند یائین انگشت کوچک دلالت دارد بر يك و بند دوم بر دو و بند سوم بر سه و بند یائین بنصر بر چهار و بند دوم آن انگشت بر پنج و بند سوم بر شش و قس علیهذا سایر بندها بقرار صورت مقابل.



(صورت اول)

در چین و هندوچین اساس انگشت شماری در این طریقه مفصل است نه بندها (در صورتی که بند را عبارت از یکی از قسمتهای سه گانه انگشت بدانیم نه فاصل بین آنها را) فقط بوسیله

مفاصل انگشتهای يك دست ميتوانند از يك الى صد هزار را بشمارند بقرار صورت ذيل :



(صورت دهم)

مستشرق معروف **سیلوستر دوساسی** در مقاله که در همین موضوع یعنی حساب العقود در مجله «ژورنال آزیانیک» (۱) مندرج داشته بین این طریقه دوم و طریقه اول تمیز نداده و هر دو را یکی دانسته در صورتیکه حقیقت امر برخلاف این است .

در ممالک اسلامی درست معلوم نیست که در «حساب العقود» بند انگشتهارا که بزبان فرانسوی «فالانژ» و بعربی عموماً «انامل» میگویند اساس شمارش قرار میداده اند یا مفاصل بین بندهارا و یابینکه اصلاً العقود اسم مصدر وبمعنی تا کردن انگشتها است که در طریقه سوم انگشت شماری چنانکه در ذیل خواهیم دید معمول است .

طریقه سوم در «حساب العقود» که در واقع موضوع این مقاله است عبارت میباشد از صور و اشکالی که بوسیله تا کردن و یا نیمه تا کردن انگشتان دست راست یا چپ و الصاق سر انگشت سبابه بانگشت ابهام (در بعضی موارد) حاصل میگردد و هر يك از آن صور و اشکال دلالت دارد بر عددی از اعداد از يك تا ده هزار (بر طبق اسناد مشرقی) و از يك الى يك ملیون (بر طبق اسناد اروپائی). قدیمترین تفصیل کلی که در خصوص این طریقه سوم در دست میباشد در کتابی است بزبان لاتینی (۲) که مؤلف آن در نیمه دوم قرن ششم و نیمه اول قرن هفتم میلادی یعنی در حدود يك هزار و سیصدسال پیش از این حیات داشته است. اما در خصوص جزئیات آن یعنی کیفیت صور و اشکال انگشتان اسناد متعددی موجود است که قدیمترین آنها اروپائی و متاخرترین آنها فارسی است. سند اروپائی عبارت میباشد از فصلی که در تحت عنوان « در طریق حساب کردن و سخن راندن بوسیله انگشتان » در يك کتاب لاتینی موسوم به « در اندازه گرفتن اوقات » از تألیفات یکی از روحانیون مسیحی از اهالی اکوس (در انگلستان کنونی) موسوم به **ولف** (۳) موجود است و اینک قریب يك هزار و دویست و پنجاه سال از تاریخ تألیف آن گذشته است . سند فارسی همانا « فرهنگ جهانگیری » مشهور است که گرچه در حدود نهصدسال بعد از کتاب لاتینی مذکور در فوق تألیف یافته معیناً مندرجات آن در باب طریقه سوم « حساب العقود » با تفصیلاتی که در آن کتاب لاتین موجود است تقریباً مطابقت کامل دارد جز اینکه در « فرهنگ جهانگیری » شرح اشکال و صور انگشتان مربوط است بشمارش از يك تا ده هزار در صورتیکه در کتاب لاتینی مزبور تا بيك ملیون هم میرسد چنانکه در فوق بدان اشاره شده است .

اینک بر طبق دو سند مزبور و اشکالی که دلالت بر اعداد مختلفه دارد پرداخته تصاویری را که هر کدام دلالت بر عددی دارد ذیلاترسیم مینمائیم (۴). در این مورد تذکره خاطر نشان می -

۱ - Silvestre de Sacy (Journal asiatique 1ere Série Août 1828.P.65)

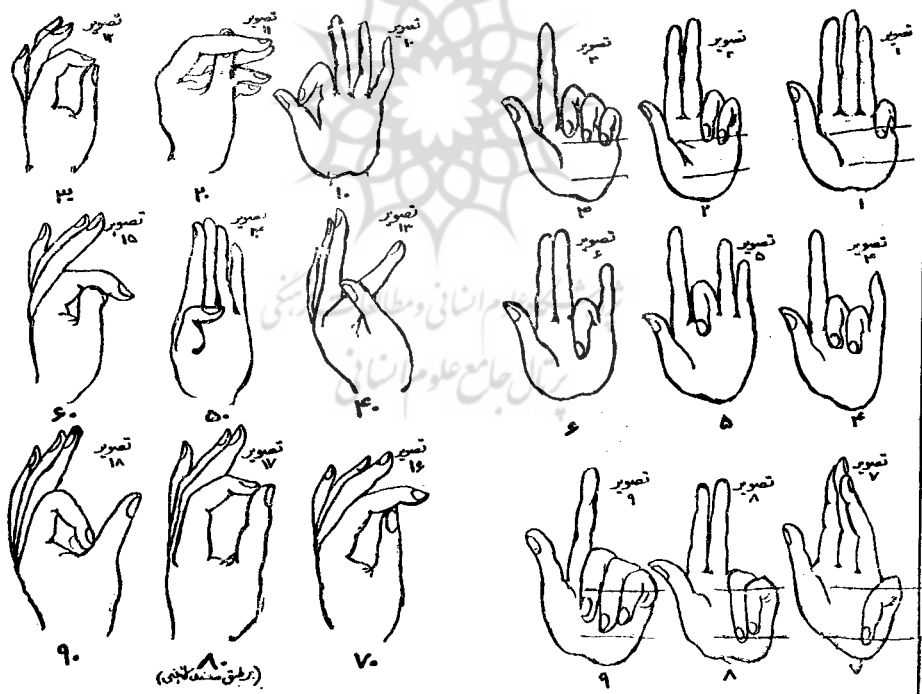
۲ - Isidore de Séville (560-636): Liber etymologiarum

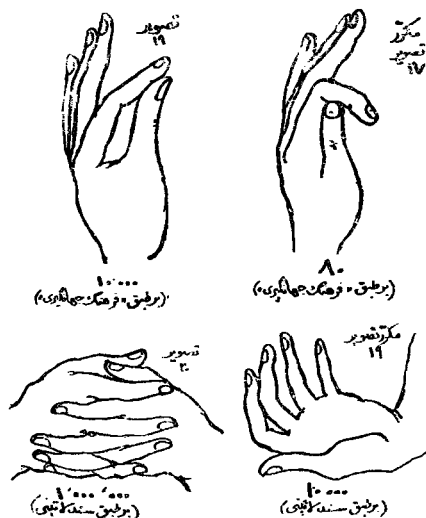
۳ - Rède (675-735) : De Temporum Ratione

۴ - کلیه تصاویر این مقاله نیز از روی تصاویری ترسیم شده که باهتمام مخصوص **مسیو لوموان** صاحب مقاله فاضلانه که در اول این مقاله بدان اشاره شده کشیده شده و در ضمن مقاله در « مجله تحقیقات

اسلامی » با توضیلات جداگانه در باب هر تصویری بطیم رسیده است .

گردد که از تصاویر بیستگانه ذیل ۱۸ تصویر اول از روی تفصیلات و بیاناتی که در « فرهنگ جهانگیری» و در کتاب لاتینی سابق الذکر تالیف پد سویه مذکور آمده ترسیم شده است در صورتیکه تصویر ۱۹ از روی تفصیلات « فرهنگ جهانگیری» تنها و تصویر ۲۰ و هکذا مکررات تصویر ۱۷ و تصویر ۱۹ بر طبق تفصیلات همان کتاب لاتینی مزبور تنها ترسیم شده است و نکته شگفت آنکه گرچه از این دو کتاب یکی در مشرق و دیگری در مغرب تالیف یافته و در واقع يك دنیائی فاصله بین آنها است و زماناً نیز « فرهنگ جهانگیری» در حدود نهصد سال پس از آن کتاب لاتینی نوشته شده معیناً تفاصیلی که در این دو کتاب در خصوص صور و اشکال مدوره در فوق ذکر شده گرچه لفظاً مختلف است ولی از حیث فحوی و معنی کاملاً مطابق است و باستثنای یارۀ اختلافات در بارۀ فقط يك صورت (تصویر ۱۹) تفاوتی در بین نیست جز این که کتاب لاتینی در بارۀ اعداد بالاتر از ۱۰۰۰۰۰ هم تا بیک میلیون متضمن معلوماتی میباشد که « فرهنگ جهانگیری» فاقد آنها است. اینک تصاویر بیستگانه :





در تصاویر فوق ۹ تصویر اول دلالت دارد بر آحاد از يك تا نه . تصاویر ۱۰ تا ۱۸ دلالت دارد بعشرات ازده تا نود . تصویر ۱۹ دلالت دارد بر ده هزار و تصویر ۲۰ بريك ميليون . نکته مهمی که باید مورد توجه فراراد این است که در تمام این اعداد و تصاویری که دلالت بر آنها دارد مندرجات « فرهنگ جهانگیری » با کتاب لاتینی تالیف ولی مطابقت دارد (باستثنای تصویر ۱۷) و فقط در عدد ده هزار بین دو سند مزبور اختلافی موجود است چنانکه از ملاحظه تصویر ۱۹ و مکرر آن معلوم خواهد شد . بعلاوه چنانکه در پیش مذکور گردیده کتاب لاتینی تفصیلاتی نیز در باب اعداد مافوق بر ده هزار دارد که در « فرهنگ جهانگیری » نیست ولی يك اختلافی در بین دو طریقه غربی (کتاب لاتینی) و شرقی (فرهنگ جهانگیری) موجود است که کمال اهمیت را دارد گرچه در واقع جزئی و بسته باراده واضع است و آن اختلاف عبارت از این است که بر طبق کتاب لاتینی مزبور آحاد و عشرات بوسیله اشکال دست چپ نشان داده میشود و مات و آلوف (تا ۹۰۰۰) با دست راست در صورتیکه در طریقه شرقی برخلاف آحاد و عشرات بوسیله دست راست نشان داده میشود و مات و آلوف (تا ۱۰۰۰۰) با دست چپ . تصاویری که در این مقاله ترسیم شده دست چپ را نشان میدهد یعنی بر طبق طریقه اروپائی ترسیم شده ولی در خود اشکال تفاوتی نیست . ولی بر حسب اینکه شکلی را با دست راست یا چپ نشان بدهیم مقدار آن تغییر میکند یعنی بنا بر طریقه اروپائی صوری که با دست چپ دلالت بريك تا نه میکند با دست راست دلالت خواهد داشت بر یکصد تا نهصد و صوری که با همان دست چپ دلالت بر ده تا نود میکند با دست راست دلالت خواهد داشت بر یکهزار الی نه هزار در صورتیکه در طریقه شرقی برخلاف است یعنی صوری که با دست راست دلالت بر آحاد و عشرات دارد با دست چپ دلالت بر مات و آلوف خواهد نمود بقرار ذیل :

تصاویر ۱ تا ۹ دلالت خواهد داشت بر ۱۰۰۰ تا ۹۰۰۰

تصاویر ۱۰ تا ۱۸ » » » » ۱۰۰ تا ۹۰۰

بعلاوه در طریقه اروپائی برای اعداد مافوق ده هزار تا يك ميليون نیز صور و اشکالی

هست که در طریقه شرقی نمیباشد و یا اگر هم وجود داشته فعلا معروف نیست و بهرحیت در «فرهنگ جهانگیری» ذکر از آن نشده است.

در طریقه اروپائی برای ۲۰،۰۰۰ باید دست چپ را روی سینه گذاشته و انگشتها را از هم باز نمود. برای ۳۰،۰۰۰ همان دست چپ را راست بروی سینه باید گذاشت بطوریکه انگشت ابهام بروی سینه چسبیده و سایر انگشتها و دست بطرف بیرون و جلو باشد. برای ۴۰،۰۰۰ دست چپ را باید بطرف ناف پائین برده و طوری گردانید که کف دست بطرف زمین نگاه کند. برای ۵۰،۰۰۰ باید همانطور که دست در جلوی ناف پائین برده شده و کف آن بطرف پائین برگشته انگشت ابهام بر روی ناف گذارده شود. برای ۶۰،۰۰۰ باید همان دست چپ را بروی ران چپ پائین برد. برای ۷۰،۰۰۰ باید همانطور که دست چپ بروی ران چپ قرار گرفته کف دست را بطرف زمین باز نمود. برای ۸۰،۰۰۰ باید با دست چپ ران چپ را گرفت. برای ۹۰،۰۰۰ باید با دست چپ آنگاه را گرفت بطوریکه انگشت ابهام بطرف زیر شکم ممتد باشد. برای ۱۰۰،۰۰۰ تا ۹۰۰،۰۰۰ همین حرکات را باید با دست راست در طرف راست بدن بعمل آورد.

این طریقه سوم «حساب العقود» (۱) در قدیم چه در مشرق زمین و چه در اروپا مابین فضلا و مطلبین رواجی داشته چنانکه در ادبیات عربی و فارسی و لاتینی با لخصوص اشارات و کنایاتی موجود است که دلالت صریح بر این معنی دارد و علاوه بر «فرهنگ جهانگیری» و کتاب لاتینی سابق الذکر از تألیفات پد تا سنه ۱۹۳۲ میلادی که تاریخ طبع مقاله مسیو لوموان در «مجله تحقیقات اسلامی» میباشد پنج تالیف دیگر نیز بزبان یونانی و عربی در این باب در دست بوده است که طالبین برای اطلاع باید بمقاله مزبوره مراجعه نمایند. بر حسب تحقیقات علمای فرنگی سند و ماخذ «فرهنگ جهانگیری» نیز در این مورد با احتمال قوی رساله بوده بزبان فارسی از تألیفات شرف الدین علی یزدی متوفی در سنه ۸۵۰ که حاجی خلیفه نیز در «کشف الظنون» در ماده «علم حساب العقود» بدان اشاره نموده است (۲) مع هذا باوجود آنکه فعلا اسناد متعددی بزبانهای مختلفه در باب طریقه سوم «حساب العقود» در دست است هنوز دعالم نشده که اصل و منشاء آن از کجا است آیا اروپائی است یا آسیائی، از مشرق زمین است یا از هندوستان و چین و مغولستان و ممالک مجاور آنها. همینقدر هست که مسیو لوموان فاضل سابق الذکر در نتیجه تتبعات خود اطمینان حاصل نموده که بین صور و اشکال دست که برطبق طریقه سوم «حساب العقود» دلالت بر اعشار دارد و بین ارقام هندی (که اروپائیها ارقام عربی میخوانند) بلاشک نسبت و رابطه موجود است یعنی ممکن است که ارقام مزبور از همین صور و اشکال بوجود آمده باشد یا برعکس صور و اشکال مزبور از روی آن ارقام.

چنانکه در فوق اشاره شد در تألیفات مؤلفین قدیمی اروپا از قبیل **بمنک** فیلسوف مشهور رومی و **آپوله** از علمای معروف افریقا و **ژوونال** شاعر معروف که در قرون اول و دوم

۱ - بفرانسه Dactylonomie

۲ **مسیو لوموان** در مقاله خود تذکر داده که علامه معظم آقای میرزا محمد خان قزوینی در امر جمع آوری اطلاعات برای آن مقاله کمکهای ذقیمتی بمشار الیه نموده و در مورد حاجی خلیفه نیز خاطر نشان فرموده اند که يك قرن قبل از او تاش کیر و زاده از مؤلفین ترك در کتاب خود موسوم به «مفتاح السعاده» تفصیلاتی در باب «علم حساب العقود» ذکر نموده که حاجی خلیفه تقریباً بدون تغییری از او نقل نموده است.

میلادی میزیسته اند در باب « حساب العقود » انتشاراتی موجود است که شیوع آنرا در آن عهد و ازمنه بعینه محقق میدارد. در ممالک اسلامی نیز این روه انگشت شماری از قدیم الایام معروف بوده است چنانکه بعضی از احادیث نبوی صریحاً بر این معنی دلالت دارد از جمله در حدیث آمده که دست حضرت رسول ص در موقع تشهد بشکل ۵۰ در میامده است (۱) که برطبق تصاویر ۱۴ و ۵ که دلالت بر ۵۰ و ۵ دارد مفسرین تعبیر نموده اند که حضرت بجز دو انگشت بنصر و خنصر انگشتهای دیگر را نامیکرده است (۲). در « خزینة الادب » نیز حدیث دیگری هست حاکی از اینکه حضرت رسول ص در موقع دیگری شکل ۹۰ را بادت خود ساخته (تصویر ۱۸).

ایضاً از ابن سعد (متوفی در سنه ۲۳۰ هجری) روایت است که حذیفه بن سلیمان از اصحاب معروف حضرت رسول در موقع اعلام خبر وفات عثمان بن عفان بادت خود مثل اینکه عاده عدده (تصویر ۱۰) بخواهند نشان بدهند ساخته و گفت وفات خلیفه برای اسلام حکم روزنه را دارد (مانند دایره که در تصویر ۱۰ بین دو انگشت ابهام و سبابه تشکیل مییابد) که هیچ کوهی جای خالی آنرا یر نخواهد نمود (۳).

خلیل بن احمد مشهور که نیز در قرن پنجم از هجرت حیات داشته در یکی از قطعات خود گفته (۴)

كفك لم تخلقاً للندی ولم يك بخلهما بدعه
فكف ثلاثة آلافها و تسع مئیهالها شرعه
وكف عن الخیر مقبوضة كما نقصت مائة تسعه (۵)

که در مقام بیان بخل کف دست طرف را ۲۹۰۰ و ۹۱۰ (۹-۱۰) (۳) خوانده است همچنانکه فردوسی نیز در بیت معروف که موضوع این مقاله است یعنی

کف دست محمود والا تبار نه اندر نه آمد سه اندر چهار

بخل و امساک سلطان محمود را با عدد ۹۳ رسانده است چونکه نه بار نه مساوی است با ۸۱ و بعلاوه سه بار چهار که ۱۲ میشود ۹۳ است.

در مقامات حریری (مقام ۴۹) نیز در عبارت ذیل:

۱ - مفتاح السعادة ، جلد اول ، صفحه ۳۳۰

۲ - بعقیده راقم این سطور ظاهراً عدد پنجاه (تصویر ۱۴) برای شکل دست در موقع

تشهد مناسبتر بنظر میآید.

۳ - چون این احادیث از روی ترجمه فرانسوی همانطور که در مقاله مسیو لوموان

نقل شده بفارسی ترجمه شده و مأخذ عربی در دسترس نبود بهمان ترجمه ساده فارسی قناعت شد.

۴ - در مقاله مسیو لوموان فقط توجه فرانسوی این اشعار داده شده و خود این

قطعه را حضرت آقا میرزا محمد خان قزوینی با چند فقره نفیس دیگر در همین موضوع در جواب سؤالاتی که از ایشان شده بود برای راقم این سطور فرستاده و در حل مشکلاتی که برای حقیر در بین بود همانطور که شیوه مرضیه حضرت معظم له است کمال بزرگواری رامبذول داشته غریق خجالت و امتنانم فرموده اند.

۵ - در مقاله مسیو لوموان در ترجمه فرانسوی بجای نه (تسعه) هفت است (سبعه) که

یس از وضع از صد ۹۳ باقی میماند و ظاهراً این مناسبتر است.

حکمی الحارث بن همام قال بانغنی ان ابا زید حین **ناهر القبضة** و ابتزه قید الهم - النهضه ... » کنایهٔ مربوط بحساب العتود میباشد و در شرح این موضع از شریشی شارح معروف مقامات حریری چنین مسطور است (۱) . **(ناهد)** قارب (القبضة) ارادها ثلاثا و تسعین سنه لانک اذا قیل لک اعقد فی یدیک ثلاثا و تسعین قبضت اصابعک کلها و شدت علیها الابهام و المعنی انه قارب - المائة التي ليس فی العیش بعدھا منفعة ... » که در اینجا نیز اشاره بیستن کف شده برای رساندن سن نود و هفت سالگی.

علاوه بر فقرات مسطوره در فوق که تماماً در مقالهٔ مسیو **لوموان** ذکر شده علامه معظم آقای میرزا محمد خان قزوینی دو فقرهٔ دیگر را نیز لطفاً برای حقیر فرستاده اند که عین عبارت مرقومهٔ ایشان در این باب ذیلاً نقل میشود :

« فقرهٔ ذیل را هم در یادداشت‌های خود راجع بعقد لصابع پیدا کردم و ذیلاً برای سرکار مینویسم شاید بکارتان بخورد :

« وما يستحسن فی هذا الباب (ای فی الکنایه عن البخل) قول ابن طباطبا

و کاتب حاسب ان رمت ملتماً	ما فی یدیه اذا ما جئت مجتدیه
اضاف تسعین تقفوها ثلاثتها	الی ثلاثة آلاف و تسعمایه
وقوله فی هذه الکنایه :	

ان رمت ما فی یدیک مجتدیا	او جئت اشکو الیک ضیق یدی
عقدت لی بالیسار اربعه	منقوصه سبعة من العدد

نقل از (الکنایه و التعریض تعالی طبع مصر صفحه ۲۷)

« مقصود از قطعهٔ اولی اینست که انگشتان دو دست خود را سخت و محکم بسته است یعنی دستش بسته است و چیزی از آن بیرون نمیآید زیرا که برای عدد ۹۰ سر ناخن سیبایهٔ دست راست را بر مفصل دوم عقد ابهام باید گذارد (۲) و برای عدد ۳ باید سه انگشت خنسرو بنصر وسطی را فرو گرفت (۳) چنانکه بین الناس برای شردن معمول است بطوری که رؤس انامل نزدیک اصول لصابع باشد ، پس از مجموع عقد نور و عقد سه شکل دست راست شکل دست کسی میشود که چیزی را سخت و محکم در دست خود پنهان کرده است و چون عقود آحاد در دست راست مطابق با عقود آحاد الوف است در دست راست یعنی صورتی که در دست راست بربک یادو تا نه دلالت کند در دست چپ همان صورت دلالت بربک هزار و دوهزار الی نه هزار کند و نیز چون عقود عشرات در دست راست از ده و بیست الی نود مطابق است با عقود مئات در دست چپ پس صورتی که در دست راست دلالت بر سه میگرد که امر بیانه در دست چپ دلالت بر سه هزار میکند و صورتی که در دست راست دلالت بر نود میگرد در دست چپ دلالت بر نصد میکند . پس از مجموع عقد سه هزار و عقد نصد شکل دست چپ هم بعینه شکل دست راست میشود یعنی شکل دست کسی که چیزی در دست خود پنهان کرده و سخت و محکم آنرا نگاه داشته است و حاصل معنی بیت این

۱ - شرح مقامات از شریشی طبع مصر ، جلد ۲ ، صفحه ۴۲۷ . متن حریری و شرح

آنرا حضرت آقای میرزا محمد خان قزوینی برای نگارنده ارسال فرمودند .

۲ - تصویر ۱۸

۳ - تصویر ۳

میشود که فلانی هر دو دستش را سفت و محکم بسته است و چیزی از آن بیرون نمیآید یعنی بخیل و امسک است ۱ و معنی قطعهٔ دوم هم عیناً همین مضمون و همین تصور و فکر است که در قطعهٔ اول میباید ولی قدری خفی‌تر و دقیق‌تر و غامض‌تر چه عقد اربعه بیسار بمعنی چهار هزار است ۲ چنانکه گفتیم که صور عقود آحاد در دست راست عین صور عقود آلاف است در دست چپ پس مراد از «عقد اربعه بدست چپ» عقد چهار هزار است و از چهار هزار که هفت عدد کم کنیم باقی میماند ۳۹۹۳ که از این مقدار ۳۹۰۰ آن متعلق بدست چپ و ۹۳ آن راجع بدست راست خواهد بود و باز نتیجه همان میشود بعینه مانند قطعهٔ اول که شخص مفروض هر دو دستش را سخت و محکم بسته است و چیزی از آن بیرون نمیآید» .

بنابراین از کلیهٔ فقرات مذکوره در فوق میتوان نتیجه گرفت که عدد ۹۳ کنایه و اشاره بخیل و امسک بوده است و مناسبت آن این است که در عام «حساب العقود» چنانکه گذشت برای نمایاندن این عدد یعنی ۹۳ با دست راست اول تصویر ۱۸ را که دلالت بر ۹۰ دارد ساخته و بعد با همان دست تصویر ۳ را که دلالت بر عدد ۳ دارد و از آنجائیکه در تصویر ۱۸ سرانگشت سیابه بر روی شست قرار گرفته یعنی انگشت سیابه در واقع بسته شده و در تصویر ۳ سه انگشت دیگر دست یعنی خنصر و بنصر و وسطی بسته میشود از اینرو در مجموع این دو تصویر چهار انگشت دست بسته شده و شکل دست بسته پدیدار میشود که چیزی را سخت نگاهداشته و نخواهد بیرون دهد و واضح است که دست بسته علامت بخیل و امسک است و چون صوری که در دست چپ دلالت بر ۳۹۰۰ دارد در واقع همان صوری است که در دست راست دلالت بر ۹۳ داشت پس اشاره به ۳۹۰۰ نیز همان مفهوم بخیل و امسک را میرساند .

این بود تفسیر بیت معروف منسوب بفردوسی که موضوع این مقاله بود و باید دانست که در اشعار شعری نامی دیگر ایران هم از قبیل سنائی و انوری و خاقانی اشاراتی که دلالت بر «حساب العقود» دارد موجود است که بمسیو **لوموان** در مقالهٔ خود متذکر گردیده است .

راجع برواج «حساب العقود» در ممالک اسلامی و قدم تاریخی آن آقای میرزا محمدحاج قزوینی در شرحی که بمسیو **لوموان** مرقوم داشته‌اند و مشارالیه در مقالهٔ خود درج نموده و برطبق آن معلوم میشود که فعلاً در ممالک اسلامی دیگر «حساب العقود» نباید مرسوم باشد و ظاهراً این ترتیب انگشت شماری از آثار ازمنهٔ بعیده است در وقتی که هنوز ارقام صحیح و کاملی برای محاسبات در میان نبوده است .

از جمله آثاری که حاکی از شیوع «حساب العقود» در قدیم الایام میباشد مهره هندی است از عاج یا از استخوان بشکل مسکوکات معمولی که از عهد روم قدیم باقی مانده و بزبان لاتینی **تیره** یا **تسله** خوانده میشده است . این مهره‌ها اغلب بجای پول بمصرف میرسیده و قیمت آنها گاهی با

- ۱ - در اینجا آقای میرزا محمد خان قزوینی بین هلالین این عبرت را نوشته اند :
- (و این همه طول و تفصیل و بیج و تاب برای اداء این معنی زیر یا افتاده سهل سادۀ بسیار متعارفی !)
- ۲ - بر حسب انگشت شماری معمول در بین الناس نه طریقهٔ سوم «حساب العقود» (چ. ز.)



ارقام رومی و گاهی نیز بوسیله تصویر دستی که بواسطه صور و اشکال مرسومه در طریقه سوم « حساب العقود » اعدادی را نشان می دهد نمایان است . در کتابخانه مای یاریس مقدار زیادی از این گونه مهره ها موجود است که اغلب در مصر پیدا شده و از زمان تسلط روم در آن جا باقی مانده و روی آنها صورت دستی حک شده (دست چپ) که هر کدام دلالت بر عددی دارد چنان که در تصاویر ذیل دیده میشود .

بیا تا جهانرا بید نسیریم

بکوشش همه دست نیکی بریم
همان به که نیکی بود یادگار
نخواهد بدن مرترا سودمند
سخن را چنین خوارمایه مدار
زمشک و زعنبر سرشته نبود
تودادو دهش کن فریدون نوئی
بآخر شد و ماند زو جایگاه
بجز حسرت از دهر چیزی نبرد
تو خواهی شبان باش خواهی رمه

بیا تا جهانرا به بد نسیریم
نباشد همی نیک و بد یابدار
همان گنج و دینار و کاخ بانند
سخن ماند از توهمی یادگار
فریدون فرخ فرشته نبود
بداد و دهش یافت این نیکوئی
به بد در جهان پنج صدسال شاه
برفت و جهان دیگری را سپرد
چنینیم یکسر که و مه همه